

بررسی چند سند مجلس درباره ملی‌شدن صنعت نفت

رشید جعفرپور^۱

نعمت‌الله عاملی^۲

مقدمه

دولت‌های استعمارگر برای اینکه بتوانند جایگاه خودشان را در مستعمرات همچنان حفظ نمایند و نیز بتوانند حوزه استعمارگری خودشان را گسترش دهند، تلاش می‌کردند شناخت مناسبی از وضعیت سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و تاریخی مستعمرات داشته باشند. در این بین، کشورهایی نیز بوده‌اند که مستعمره مستقیم نبوده‌اند و استعمارگران مختلف در آن کشورها رفت و آمد داشته و به نحو مخربی بر تحولات آنها تأثیرگذار بوده‌اند. کشور بریتانیا از جمله کشورهای استعمارگری بوده است که همواره خواهان حضور در مناطق مختلف جهان بوده و تا توانسته، چه از طریق حضور مستقیم و چه غیر مستقیم، منافع زیادی را از کشورهای جهان به خود اختصاص داده و معمولاً حوزه دخالتش را از حدود مرزهای سرزمینی و حتی مستعمرات خود، به مناطق دیگر کشانده است.

بریتانیا در یک‌صد سال اخیر، توانسته از ظرفیت‌های استعمارگری‌اش استفاده کرده، به بهانه‌های مختلف در کشورها و مناطق مختلف جهان حضور داشته باشد. این کشور برای دستیابی به این منظور، از زبده‌ترین دیپلمات‌ها استفاده کرده تا بتواند گزارش‌ها و اطلاعات موثق برای کشور متبوعش بفرستد و در سیاست‌گذاری خارجی نسبت به آن کشور، تصمیم‌سازی مناسبی صورت دهند. کشور ایران نیز از جمله کشورهای مهم و تأثیرگذار در منطقه خاورمیانه بوده که به دلیل موقعیت استراتژیک و نیز تحولات

۱. دانشجوی دکترای علوم سیاسی.

۲. کارشناس ارشد فلسفه و مدیر گروه ترجمه مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

تاریخ‌ساز آن، همواره مورد توجه استعمارگران بوده است. اما به دلیل اینکه هیچ موقع استعمار مستقیم نداشته و تحت استعمار یک کشور خاص نبوده است، چشم استعمارگران مختلف از جمله بریتانیا را به خود خیره کرده بود. انتخاب و اعزام دیپلمات‌های زبده و کارشناس در حوزه مسائل خاورمیانه و ایران به این منطقه مهم، همواره از اولویت‌های دیپلماسی بریتانیا بوده است. به خصوص با توجه به مسایل و درگیری‌های سیاسی ایران و انگلیس در مسئله ملی‌شدن صنعت نفت در ۲۹ اسفند ۱۳۲۹ و شکل‌گیری کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ در ایران و برکناری دکتر محمد مصدق از نخست‌وزیری، نوع تعاملات ایران و انگلیس پیچیده‌تر شده، توجه به تحولات هر دو کشور برای کشور دیگر، بسیار مهم شده دولت انگلیس با توجه به این دغدغه‌ها و حساسیت‌ها مجموعه گزارش‌های سفیر انگلیس در ایران را در مجموعه چهارده جلدی با عنوان *Iran Political Diaries* منتشر کرده که با مطالعه و بررسی آنها می‌توان به یک برداشت صحیح و مناسب از نوع تعاملات انگلیس و ایران در دوران مذکور از منظر یک استعمارگر، نسبت به ایران دست یافت. از جمله مسائل مهم و اساسی که در این مجموعه می‌توان ردیابی کرد، مسائل مربوط به نفت و مجلس و نحوه خبررسانی و شناسایی نیروهای تأثیرگذار در مسائل مربوط به نفت است که سفیر انگلیس با دقت این موضوع را پیگیری کرده، نیروهای داخل مجلس را شناسایی کرده و به موقع گزارش‌هایی را - تا حد جزئی‌ترین خبرها - به کشور متبوعش ارسال نماید. برای اینکه به اهمیت این گزارش‌ها پی ببریم، لازم است که این چهارده جلد به طور مختصر معرفی گردند و در ادامه به بررسی چند سند در مورد مجلس و نفت در ایران برای همایش مورد نظر پرداخته شود.

معرفی کتاب یادداشت‌های سیاسی ایران

این مجموعه چهارده جلدی شامل گزارش‌های دوره‌ای و مناسبتی مختلفی است که از آرشیوهای مختلف بریتانیا به دست آمده است. این یادداشت‌ها از سه منبع به دست آمده که عبارتند از: ۱. سفارت بریتانیا در تهران، ۲. دفاتر دولت هند شرقی و ۳. دفاتر دیپارتمان شرقی دفتر خارجی در لندن. در ۲۲ اکتبر ۱۹۵۲ هم که روابط ایران و انگلیس قطع شد و تا ۲۱ دسامبر ۱۹۵۳ ادامه داشت، اطلاعات مربوط به ایران در این دوره زمانی، از طریق سفارت پاکستان و سفارت آمریکا در ایران به دست آمده است. این مجموعه چهارده‌جلدی توسط دکتر آر.ام. بارل ویراستاری و منتشر شده است.

در این مجموعه ده نوع گزارش وجود دارد که عبارتند از:

۱. گزارش‌های سالانه؛ ۲. چکیده‌های ماهیانه؛ ۳. چکیده‌های محرمانه؛ ۴. گزارش‌های سیاسی سه ماهه؛ ۵. گزارش‌های هفتگی اوضاع؛ ۶. یادداشت‌های سیاسی دو هفته‌ای؛ ۷. گزارش‌های مناسبتی؛ ۸. گزارش‌های خارجی؛ ۹. گزارش‌های مربوط به معرفی شخصیت‌ها و ۱۰. یادداشت‌های دولت هند.

جلد اول (۱۸۸۱-۱۹۰۰)

1. Iran political diaries, 1881-1965; ed by: dr r.m.burrell, archive editions, 1997.

اولین جلد این مجموعه به لحاظ زمانی، بیشترین دوره را دربرگرفته و گزارش‌های بیست سال از تاریخ ایران را پوشش می‌دهد. اولین گزارش‌ها مربوط به ناصرالدین‌شاه می‌شود که وی طولانی‌ترین دوره حکومت را میان پادشاهان قاجاریه داشته است. زمانی که وی در می ۱۸۹۶ در حرم عبدالعظیم به قتل رسید، مظفرالدین‌شاه حاکم آذربایجان بود که به وسیله تلگراف از قتل پدرش مطلع شد و به تهران آمد. چنان‌که این جلد و در جلد‌های بعدی گزارش شده، او نه شخصیت قدرتمند پدرش را داشت و نه از وضعیت جسمانی مناسبی برخوردار بود.

قاتل ناصرالدین‌شاه که در نهایت اعدام شد، پیرو اصلاح‌گر مشهور اسلامی، یعنی سید جمال‌الدین افغانی [اسدآبادی] بود که در استانبول زندگی می‌کرد. در این دوره شاهد گسترش روابط ایران با کشورهای غربی هستیم. ناصرالدین‌شاه در سال ۱۸۸۸ به یک کمپانی انگلیسی مجوز داد تا در زمینه حل و نقل در رودخانه کارون سرمایه‌گذاری کند. سال بعد هم رویتر مجوز تأسیس بانک شاهنشاهی ایران را گرفت. همین امتیاز باعث اعتراضات گسترده‌ای شد. این اعتراضات مورد حمایت روسیه قرار گرفت، زیرا آنها مخالف امتیازگیری انگلیسی‌ها در ایران بودند. طبق گزارش‌های این کتاب، در این دوره شاهد رقابت روسیه و انگلیس برای گسترش نفوذ در ایران هستیم.

جلد دوم (۱۹۰۵-۱۹۰۱)

این جلد شامل بخشی از دوره سلطنت مظفرالدین‌شاه قاجار می‌شود که پس از قتل پدرش به حکومت رسید. او در اولین سال سلطنتش به منظور انجام برخی اصلاحات، تعدادی از نیروهای بلژیکی استخدام کرد. اولین گروه بلژیکی در بهار ۱۸۹۸ وارد ایران شد که همین مسئله مورد اعتراض برخی از ایرانی‌ها قرار گرفت، زیرا برخی از مسلمانان، معتقدند که پرداخت حقوق به غیر مسلمانان نادرست است. چنان‌که گفته شد در این دوره شاهد انجام برخی اصلاحات هستیم. یکی از لوازم عمده برای اصلاحات، داشتن نیروی نظامی یا ارتشی است. اولین هسته ارتش ایران، نیروهای بریگاد قزاق هستند که تجهیزات بسیار اندکی داشتند.

در این دوره شاهد مشکلات مرزی از سوی عراق و رشد نارضایتی در شهرها و روستاها هستیم. انگلیس و روسیه دو کشور بسیار تأثیرگذار در سیاست ایران در این دوره زمانی هستند.

جلد سوم (۱۹۰۷-۱۹۰۶)

این جلد شامل دو سال از تاریخ ایران است، اما به لحاظ تاریخی، دوره‌ای بسیار مهم و حساس در تاریخ ایران به شمار می‌رود. ایرانی‌ها هرچه بیشتر نگران نفوذ فزاینده خارجی‌ها در کشورشان هستند. جلد سوم دربرگیرنده حوادث بسیار مهم سال ۱۹۰۶ و انقلاب مشروطه است. جنبش‌های اعتراضی از یک سو و بیماری شاه قاجار از سوی دیگر، باعث شد مردم خواهان تأسیس عدالت‌خانه شوند. در دوره انقلاب مشروطه، عدالت‌خانه تأسیس شد، اما این نهاد جدید، هرگز به طور دقیق تعریف نشد. با این حال، نشانه‌هایی از مطالبه مردم برای اصلاح در حکومت به چشم می‌خورد. در ادامه اعتراضات مردمی، رهبران روحانی، تهران را به مقصد قم ترک کردند و مساجد تهران بسته شد. همزمان ۱۲ هزار نفر در سفارت

بریتانیا بست نشستند. در پی این اقدام، شاه و نخست‌وزیر به شدت نگران اعتراضات روحانیون و مردم شدند. در نهایت در ۵ آگوست ۱۹۰۶، شاه فرمان مشروطیت را امضا کرد و پارلمان تأسیس شد.

جلد چهارم (۱۹۰۸-۱۹۰۹)

حوادث سیاسی این سال‌ها در شهرهای مختلف ایران همراه درگیری و خشونت بود. مسئله‌ای که در این دوره برای ایرانی‌ها سؤال بود، بحث تداوم مشروعبیت خاندان قاجار بود. شاه در سوم ژوئن ۱۹۰۸، ناگهان با اسکورت بریگاد قزاق، تهران را ترک کرد. پس از آن فرماندهی نیروهای قزاق در ۱۱ ژوئن به لیاخوف روسی واگذار شد. در همین دوره محمدعلی‌شاه فرمان بسته شدن مجلس را صادر کرد. پس از بسته شدن مجلس در سال ۱۹۰۸، اعتراضات خشونت‌آمیز در تبریز آغاز شد. در این دوره شاهد انتقال قدرت از محمدعلی‌شاه به احمدشاه هستیم.

جلد پنجم (۱۹۱۰-۱۹۱۱)

در این دوره شاهد درگیری‌ها در بندر استرآباد، بر سر دریای خزر با روس‌ها هستیم. همچنین مورگان شوستر، رئیس گروه مستشاران اقتصادی آمریکا، در می ۱۹۱۱ به تهران آمد. اولین تلاش‌ها برای کشف نفت در آبادان در سال ۱۹۱۲ صورت گرفت که گزارش‌های آن در این مجلد آمده است. در این دوره زمانی، حوادث بسیار مهمی رخ داد که از جمله آنها می‌توان به جنگ جهانی اول، انقلاب بلشویک‌ها در روسیه در سال ۱۹۱۷ و اشغال ایران توسط قوای بیگانه در طول جنگ جهانی اول، اشاره کرد.

جلد ششم (۱۹۲۱-۱۹۲۳)

در این دوره شاهد سقوط حکومت قاجارها و آماده شدن زمینه‌ها برای به قدرت رسیدن خاندان پهلوی هستیم. کم‌کم کنل رضاخان به عنوان یک شخصیت سیاسی مطرح می‌شود. رضاخان با نیروهایش از قزوین به تهران می‌آید و تهران را تصرف می‌کند. در این دوره سیدضیاء نخست‌وزیر طرفدار بریتانیا بر سرکار می‌آید، اما پس از گذشت مدت کوتاهی از قدرت کناره‌گیری می‌رود. رضاخان به منصب وزارت جنگ می‌رسد و برای ایجاد ارتشی مستحکم تلاش می‌کند. همچنین در این دوره زمانی شاهد اتخاذ سیاست «درهای باز» آمریکا در قبال ایران و جست‌وجو برای اکتشاف نفت در استان‌های شمالی هستیم.

جلد هفتم (۱۹۲۴-۱۹۲۶)

در سال ۱۹۲۵ مجلس به انقراض سلسله قاجاریه رأی می‌دهد و عملاً دوران سلطنت قاجارها پایان می‌یابد. احمدشاه هم که در سال ۱۹۲۳ ایران را به مقصد اروپا ترک کرده بود، هرگز به ایران باز نگشت و در همان‌جا از دنیا رفت. در ۱۳ دسامبر ۱۹۲۵ رضاخان، فرمانده قزاق‌ها، که در سال ۱۹۲۳ نخست‌وزیر شده بود، خود را به عنوان شاه معرفی کرد. در این دوره در کشور همسایه ایران، یعنی ترکیه، آتاتورک به دنبال ایجاد یک حکومت جدید و سکولار در کشور خویش است؛ همچنین گزارش‌هایی در خصوص اختلافات رضاشاه و شیخ‌خزعل و دخالت انگلیسی‌ها وجود دارد که نهایتاً شیخ‌خزعل سرکوب می‌شود. چنان‌که در

بررسی چند سند مجلس درباره ملی شدن صنعت نفت / رشید جعفرپور - نعمت‌الله عاملی

مقدمه این جلد آمده است، رضاشاه حکومت مستبدانه‌ای داشت و به احزاب و مطبوعات، فرصت فعالیت سیاسی چندانی نمی‌داد.

جلد هشتم (۱۹۳۰-۱۹۲۷)

این جلد از مجموعه یادداشت‌های سیاسی ایران به دوران حکومت رضاشاه مربوط می‌شود. زمانی که رضاشاه به سلطنت رسید، سعی کرد دست به اصلاحات و مدرن‌سازی جنبه‌های مختلف زندگی در کشورش بزند. در این دوره، مذاکراتی برای عقد قرارداد بین ایران و انگلیس در سال ۱۹۲۸ صورت گرفت. همچنین ساخت راه‌آهن سراسری ایران که بزرگ‌ترین طرح حمل و نقل کشور بود، در دوره رضاخان انجام شد. اقداماتی نیز در زمینه تقویت نیروهای مسلح و گسترش راه‌سازی صورت گرفت.

در سال ۱۹۳۰، رضاخان از پالایشگاه شرکت نفت ایران و انگلیس در آبادان دیدار کرد و خواستار گسترش فعالیت‌های آن شد. او معتقد بود که آینده اقتصادی کشورش باید مبتنی بر ایجاد صنایع جدید و بزرگ باشد، نه کشاورزی. البته در سال ۱۹۳۰ روابط دولت و کمپانی به دلیل کاهش درآمد نفت، رو به وخامت گذاشت. همین مسئله منجر به ایجاد بحران بزرگی در سال ۱۹۳۲ شد که شرح آن در جلد‌های بعدی خواهد آمد.

جلد نهم (۱۹۳۴-۱۹۳۱)

در این سال حوادث سیاسی دراماتیکی رخ داد که بسیار مهم بودند. نام برخی کشورها تغییر کرد که عبارتند از: پرشیا به ایران، اچیت به مصر و دویچلند به جرمنی. تغییر نام ایران در واقع آرزوی سمبلیک رضاشاه بود. او می‌خواست تصویری متفاوت از کشورش نشان دهد. او فکر می‌کرد پرشیا قدیمی است و ایران نماد کشوری جدید خواهد بود. یکی از مسائل مهم این دوره این بود که ایران تمایل داشت کنترل بیشتری بر سرنوشت خود داشته باشد. در این دوره شاهد لغو ناگهانی امتیاز کمپانی شرکت نفت ایران و انگلیس هستیم. مشاجره دیگری که در این جلد بدان پرداخته شده، مشاجره قدیمی و مشهور بین تهران و لندن بر سر جزایر تنب و ابوموسی و ادعای ایران نسبت به بحرین است.

جلد دهم (۱۹۳۵-۱۹۳۸)

در این دوره شاهد نفوذ هرچه بیشتر طبقات مذهبی در عرصه‌های مختلف قدرت هستیم که در سال‌های بعد هم تداوم می‌یابد. روند گسترش روابط با همسایگان که در دوره رضاخان شروع شده بود، افزایش یافت و در سال ۱۹۳۷ آشکارتر شده، منجر به عقد قرارداد عدم تجاوز بین افغانستان، ایران، عراق و ترکیه گردید. همچنین در این دوره پیشرفت زیادی در زمینه پروژه راه‌آهن سراسری ایران صورت گرفت. یکی از نکات مهم در زمینه حمل و نقل در این سال‌ها، ایجاد یک سرویس هوایی منظم در آوریل ۱۹۳۸ بین تهران و برلین است. این پرواز به وسیله کمپانی لوتانزا انجام می‌شد و پرواز حدود سی ساعت طول می‌کشید. همین مسئله باعث گسترش روابط تجاری و بازرگانی ایران با آلمان شد. در این سال‌ها هم مانند دوره رضاشاه، تمایل زیادی بر تجهیز نیروهای مسلح وجود داشت که طبق گزارش‌ها، بودجه نظامی در این دوره به ۲۵٪ کل بودجه رسیده بود.

جلد یازدهم (۱۹۴۲-۱۹۳۹)

حوادث این سال با شروع جنگ جهانی دوم آغاز می‌شود. آلمان هیتلری به بسیاری از کشورهای اروپایی حمله می‌کند و جبهه متفقین شکل می‌گیرد. در بعد داخلی هم شاهد اعلام بی‌طرفی از سوی ایران و افزایش همکاری تجاری و نظامی ایران و آلمان و حضور مستشاران آلمانی در ایران هستیم. در سال ۱۹۴۱، انگلیس و شوروی به بهانه حضور آلمان‌ها در ایران، از شمال و جنوب ایران را به اشغال خود درآوردند. این جلد شامل اسناد مربوط به اشغال ایران توسط متفقین، تبعات سنگین آن، کارهای عمرانی در زمینه راه‌آهن برای تسهیل در حمل و نقل و انتقال ملزومات جنگی و آغاز روابط نزدیک ایران و آمریکا است.

جلد دوازدهم (۱۹۴۳-۱۹۴۵)

ایران در این سه سال دوران بسیار دشواری را گذراند که ناشی از مشکلات اقتصادی پس از جنگ جهانی دوم، کمیاب شدن اقلام مهم و تورم بالا بود. با کنار رفتن رضاخان و روی کار آمدن محمدرضا شاه، فعالیت‌های سیاسی گسترش یافت و احزاب کوچک متولد شدند. دولت‌های این دوره غالباً ضعیف بوده و عمری کوتاه داشته‌اند. مهم‌ترین مسئله در اواخر سال ۱۹۴۵، تهدید تمامیت ارضی ایران است. پس از جنگ، برخی از نیروهای آمریکایی و انگلیسی همچنان در جنوب ایران مستقر بودند که تعدادشان کم بود و به چند صد نفر می‌رسید، اما شوروی ۶۰ هزار نیرو در شمال کشور مستقر کرده بود و هیچ نشانه‌ای دال بر بازگشت این نیروها به کشورشان به چشم نمی‌خورد.

در اواخر نوامبر ۱۹۴۳، چرچیل، روزولت و استالین، به عنوان رهبران متفقین، برای اولین بار در ایران گرد هم آمدند و در خصوص مسائل مختلف، به بحث و گفت‌وگو پرداختند.

در سال ۱۹۴۳، دولت ایران درخواست امتیاز حفاری نفت در جنوب شرق ایران را از سوی شرکت رویال الچ شل دریافت کرد. سال بعد یک کنسرسیوم آمریکایی تقاضای مشابهی مطرح نمود. در سپتامبر ۱۹۴۴، شوروی هم امتیاز نفت شمال را از ایران درخواست کرد. این مسئله نگرانی‌هایی را در ایران به دنبال داشت، زیرا شوروی با لحنی تهدیدآمیز این درخواست را مطرح نمود.

جلد سیزدهم (۱۹۴۶-۱۹۵۱)

نظامیان شوروی همچنان بخش‌هایی از شمال ایران را در اشغال خود داشتند و به نیروهای ایرانی حتی اجازه ورود به این مناطق را هم نمی‌دادند. همچنین شوروی از جنبش خودمختاری در آذربایجان و بخشی از کردستان حمایت می‌کرد و بر دستیابی به کنسرسیوم نفتی با ایران اصرار می‌نمود.

در ماه فوریه، قوام‌السلطنه برای مذاکره با مقامات شوروی به این کشور سفر کرد، اما بدون هیچ توافقی بازگشت. در ماه آوریل تنش‌ها میان ایران و شوروی تا حدی کاهش یافت، زیرا سخنگوی دولت ایران اعلام کرد که در خصوص کنسرسیوم نفتی به توافقاتی دست یافته‌اند.

در ماه اکتبر دولت جدید در ایران بر سر کار آمد و قوای ارتشی را برای کنترل آذربایجان و کردستان اعزام کرد. این نیروها در سیزدهم دسامبر وارد تبریز شدند و تا پایان ماه، اقتدار دولت مرکزی بر شمال غرب کشور بازگردانده شد.

در ۲۲ اکتبر مجلس ایران، قانونی شش ماده‌ای به تصویب رساند و اعلام داشت توافقنامه امضا شده میان ایران و شوروی در سال ۱۹۴۶، از نظر حقوقی باطل است؛ همچنین اعلام شد که هیچ‌گونه کنسرسیومی میان ایران با هیچ کشور خارجی امضاء نخواهد شد و دولت ایران رأساً عملیات کشف و توسعه منابع نفتی در شمال را بر عهده خواهد گرفت. در این خصوص محمد مصدق فعالیت‌های چشمگیری داشت و نطق‌های وی در رأی ۱۰۲ نفری نمایندگان در مقابل دو رأی مخالف بسیار مؤثر بود که این دو نفر هم از اعضای کمونیست پارلمان ایران بودند. مسکو واکنش شدیدی به این مصوبه نشان داد و کرملین دولت ایران را به خیانت در توافقنامه‌های قانونی متهم کرد.

در اکتبر ۱۹۴۷ بر اساس توافقنامه‌ای بین ایران و آمریکا، ایالات متحده مأموریت نظامی جدیدی در ایران پیدا کرد. بر اساس این توافقنامه، مسائل مربوط به نیروهای مسلح ایران نباید بدون رضایت صریح آمریکا به کارشناسان نظامی دیگر کشورها واگذار شود.

در سال ۱۹۵۱ مشاجرات بر سر ملی‌شدن نفت بالا گرفت و در این میان رزم‌آرا، نخست‌وزیر ایران، توسط یک گروه چریک مسلمان و از هواداران آیت‌الله کاشانی، ترور شد. رزم‌آرا مخالف ملی‌شدن صنعت نفت بود. در پانزدهم مارس مصدق توانست پارلمان را متقاعد کند تا صورت یک جانبه کنسرسیوم نفتی ایران و انگلیس را ملغی و نفت را ملی اعلام کند.

جلد چهاردهم (۱۹۶۵-۱۹۵۲)

در آغاز این دوره، روابط دیپلماتیک بین ایران و انگلیس بدتر از هر زمان دیگری در قرن بیستم بوده است. دلیل این مسئله هم ملی‌شدن کمپانی نفت ایران و انگلیس از سوی دولت ایران و در زمان نخست‌وزیری محمد مصدق در می ۱۹۵۱ است. تلاش‌های مختلف برای حل این بحران با شکست مواجه شد و در ژانویه ۱۹۵۲ دولت ایران دستور داد تمام کنسولگری‌های بریتانیا در ایران بسته شود. بنابراین گزارش‌های مربوط به این دوره از منابع آمریکایی است و نه انگلیسی و نکته جالب اینکه می‌توان تفاوت در تفسیر رویدادهای سیاسی ایران در این روز را مشاهده نمود.

از جمله حوادث این دوره آن است که در جولای ۱۹۵۲، مصدق قصد داشت سمت وزارت جنگ را هم بر عهده گیرد، اما شاه مخالفت کرد و به همین دلیل مصدق استعفا داد. پس از آن قوام‌السلطنه نخست‌وزیر شد. شاه می‌خواست مصدق دوباره سمت نخست‌وزیری را بر عهده گیرد. مصدق دوباره نخست‌وزیر شد و سعی کرد مخالفان خود را حذف کند. در این دوره اوضاع اقتصادی ایران مناسب نبود، زیرا درآمدی بابت فروش نفت عاید ایران نمی‌شد.

در ژانویه ۱۹۵۳، مصدق برخی از متحدان قدرتمند خویش از جمله آیت‌الله کاشانی را از دست داد، زیرا آنها مخالف روش‌های حکومتی وی بودند. در شانزدهم آگوست شاه سعی کرد مصدق را برکنار کند، اما وی از قدرت کناره‌گیری نکرد. در بیستم آگوست، زاهدی کودتا کرد و پس از دستگیری مصدق، شاه به کشور بازگشت. از جمله حوادث مهم این دوران، می‌توان به اصلاحات ارضی شاه اشاره کرد که با مخالفت رهبران روحانی از جمله آیت‌الله خمینی مواجه شد. در این دوران آیت‌الله خمینی به عنوان یک رهبر روحانی

و مخالف سیاست‌های حکومت پهلوی مطرح می‌شود.

معرفی چند سند در مورد مجلس و ملی شدن صنعت نفت

دوران ملی شدن صنعت نفت، دوره مهمی از تاریخ سیاسی-اجتماعی ایران است که نقش نیروهای سیاسی، اجتماعی، مذهبی و مردم در شکل‌گیری و به نتیجه رساندن آن بسیار برجسته است. طبیعی است دولت انگلیس که منافی در به نتیجه رساندن آن داشت، سعی می‌کرد تمام تحولات ایران را در آن دوره به خوبی تحلیل نماید. در این مقاله سعی کرده‌ایم ابتدا کل یادداشت‌های سیاسی سفارت را معرفی و به عنوان نمونه، چند سند را نیز بررسی کنیم.

گزارش این سند (سند شماره ۱) متن سخنرانی دکتر مصدق در مجلس است که بر طبق آن، مصدق قصد خود را در مورد گرفتن مقام ریاست مجلس آشکار می‌سازد. در این نطق طولانی، وی از شاه تمجید کرده، او را شخصی واقعاً دموکراتیک معرفی می‌کند، ولی از دخالت خانواده سلطنتی (به خصوص اشرف) در امور سیاسی و داخلی کشور، گلایه می‌کند. وی همچنین از انگلستان به عنوان یک مدل برای کشوری دموکرات و قانونمند یاد می‌کند. سخنرانی دکتر مصدق تا حدی برخی از اعضای جبهه ملی را ناامید می‌کند، چراکه آنها معتقد بودند انگلستان رضاشاه را در ایران به مقام سلطنت رسانده و از او حمایت کرده، ولی دکتر مصدق در نطق خود از این کشور تمجید می‌نماید.

سند شماره ۱

در این سند (سند شماره ۲) مهم‌ترین رویدادهای مطرح شده عبارتند از: بازگشت آیت‌الله ابوالقاسم کاشانی به تهران، تقدیم لایحه تکمیلی نفت به مجلس، استعفای دولت منصور و روی کار آمدن ژنرال رزم‌آرا به عنوان نخست‌وزیر. بر طبق گزارش این سند، آیت‌الله کاشانی بعد از ترور نافرجام شاه در فوریه ۱۹۴۹، به لبنان تبعید شد. طرفداران وی - که در تهران بسیار زیاد هستند - در دهم ژوئن و به مناسبت بازگشت وی، مراسم باشکوهی را ترتیب دادند و تخمین زده می‌شد که حدود ۱۵ هزار نفر برای استقبال از وی به فرودگاه بروند. وی بعد از بازگشت، با معاهده تکمیلی نفتی و به قدرت رسیدن رزم‌آرا بسیار مخالفت کرد، ولی به زودی مشخص شد که دکتر مصدق حضور یک رقیب را به عنوان قهرمان ملی به هیچ وجه بر نمی‌تابد. بعداً مصدق در تاریخ سیزدهم ژوئن تلاش کرد تا با ارائه لایحه‌ای به مجلس به منظور لغو حق بدون شرط شاه برای انحلال مجلس و سنا بر تفوق خود نسبت به آقای کاشانی تأکید نماید، اما بسیاری از نمایندگان از این طرح استقبال نکردند.

سند شماره ۲

این سند (سند شماره ۳) مربوط به مسائل شرکت نفت ایران و انگلستان و بحث و بررسی‌های کمیسیون نفتی مجلس است. طبق یک توافق با دولت، شرکت بر آن شد تا از پول حاصل از استخراج نفت، پنج میلیون پوند پرداخت نماید و تا پایان سال، ماهانه دو میلیون پوند نیز پرداخت نماید و همزمان سپرده خود در بانک ملی در لندن را تا ده میلیون پوند افزایش دهد. طبق گزارش سند، تسلط کمیسیون نفتی به وسیله جبهه ملی بیشتر شده بود و جبهه ملی با تحریک احساسات وطن‌پرستانه و تهدید به خشونت در موقع لزوم، توانست مخالفان را بترساند و ساختار فکری داخل یا خارج از کمیسیون نفتی متعلق به جبهه ملی - که آیت‌الله کاشانی و مصدق عضو آن بودند - بود و رزم‌آرا بنا بر اقتضای شرایط تا تاریخ ۲۱ فوریه، حتی در حد حرف، باید به مفهوم ملی‌سازی صنعت نفت بپردازد.

سند شماره ۳

این سند (سند شماره ۴) به اوضاع ایران و داخلی مجلس پس از ترور رزم‌آرا، نخست‌وزیر ایران در زمان ملی‌شدن صنعت نفت، اشاره می‌کند. در تاریخ هشتم مارس، یعنی یک روز بعد از ترور رزم‌آرا، کمیسیون نفت مجلس با حداکثر آراء، گزارشی را برای ارسال به مجلس به تصویب رساندند و با قبول پیشنهاد ملی‌شدن صنعت نفت برای بررسی اجرایی کردن آن تقاضا کردند تا یک فرجه زمانی دو ماهه در اختیارشان قرار گیرد. پس از ترور رزم‌آرا و شکست دولت او، در مواجهه با آن به نظر می‌رسید که مجلس جرئت عدم پذیرش گزارش کمیسیون نفتی را نداشته باشد، حتی آن دسته از نمایندگانی که از سوی شاه مجاب شده بودند تا با شرکت نکردن جلسه را از رسمیت بپندازند، جرئت انجام چنین کاری نیافتند. مجلس در تاریخ پانزدهم مارس با حداکثر آراء، گزارش کمیسیون نفتی را به تصویب رساند و مجلس سنا نیز پس از پنج روز، قانون ملی‌شدن صنعت نفت را تأیید کرد.

سند شماره ۴

این سند (سند شماره ۵) به تلاش سفارت انگلیس برای جلوگیری از تصویب برخی از پیشنهادات پس از ملی‌شدن صنعت نفت می‌پردازد. در تاریخ ۲۶ آوریل، دکتر مصدق تصمیم گرفت تا با ایجاد تغییر کوچکی که در پیش‌نویس لایحه منظور کرد، به سرعت دارایی و سرمایه‌های شرکت نفتی ایران و انگلیس ضبط شود و به یک شرکت نفتی ملی انتقال یابد. به نظر می‌رسید چنین کاری در حقیقت مصادره است؛ از این رو سفیر انگلیس با همه توان تلاش کرد. تا مانع از تصویب این پیشنهاد در مجلس شود. به محض اینکه شنیده بود کمیسیون مذکور جلسه دارد، پیشنهاد مذاکره تلفنی و اشنگتن را برای از سرگیری مذاکرات با دولت ایران به نخست‌وزیر گوشزد می‌کند و پس از مطلع شدن از پیشنهادات کمیسیون، با انتشار مطلبی در روزنامه با تأکید بر علاقه بریتانیا به رفاه و آسایش ایران و کمک‌های این کشور به ایران در گذشته، به دولت ایران و مجلس نسبت به هرگونه اقدام شتابزده و عواقب جدی آن هشدار می‌دهد.

سند شماره ۵

این سند (سند شماره ۶) به تقویت موضع مخالفان دکتر مصدق در مجلس اشاره می‌کند. در ۲۷ سپتامبر، موقعیت دکتر مصدق در مجلس به حدی ضعیف شده بود که در حالی که وی به منظور ارائه گزارش درباره مسئله نفت عازم مجلس بود، به وی خبر دادند جناح مخالف وی در مجلس از حضور حد نصاب نمایندگان ممانعت به عمل آورده‌اند و تصمیم دارند وی سخنرانی خود را برای تعدادی رهگذر در بیرون مجلس ارائه کند. دکتر مصدق در سخنان خود خطاب به جمعیت حاضر اظهار می‌دارد که دولت وی و نه نمایندگان در ساختمان پارلمان نمایندگان واقعی مردم ایران هستند. این مسئله حاکی از وجود تغییری شگرف در رفتار مصدق است، چرا که وی پیش از این با اطمینان از سلطه خود بر مجلس، همیشه خود را خادم و مطیع پارلمان معرفی می‌کرد.

نتیجه‌گیری

با بررسی مجموعه یادداشت‌های سیاسی سفیر انگلیس در ایران، می‌توان به چند نکته دست یافت: نخست آنکه همه در کل گزارش‌ها، سفیر، منافع دولت انگلیس را به شدت مورد نظر داشته و حتی اگر غیر قانونی هم که شده، از منافع دولت خود دفاع کرده است. دوم آنکه ضد اشخاصی که مخالف منافع انگلیس در ایران تلاش داشته‌اند، به شدت جوسازی می‌کند. در نتیجه با آیت‌الله کاشانی و دکتر مصدق در دوران ملی‌شدن صنعت نفت بسیار مخالف است و گزارش‌های او کاملاً ضد اینهاست. سوم: دقت سفیر در گزارش‌دهی و جمع‌آوری گزارش قابل توجه است. وی از راه‌های مختلف از گزارش‌های داخل مجلس ایران باخبر است و درست همان روز یا روز بعد، گزارش جامعی به دولت متبوعش می‌فرستد و دخالت زیادی در اوضاع داخل ایران داشته است. چهارم: چون مسئله ملی‌شدن نفت، مسئله‌ای است بین منافع ایران و انگلیس، دقت و جوسازی سفیر انگلیس در ایران و شناسایی نیروهای تأثیرگذار در مجلس و دولت، برای او اهمیت خاصی پیدا می‌کند. در نتیجه در آن دوره سفارت به شدت فعال شده و گزارش‌های ویژه‌ای از نفت و مجلس به دولت متبوعش می‌فرستد.

در مجموع با بررسی این اسناد و گزارش‌ها، علاوه بر به دست آوردن اطلاعاتی در مورد نحوه عملکرد سفارت انگلیس، می‌توان به زوایای پنهان و آشکاری در زمینه ملی‌شدن صنعت نفت و عملکرد مجلس در مورد آن پی برد.